

یکپارچه سازی زمینهای کشاورزی در ایران و کشورهای دیگر

نویسنده: سید محمد پورمرعشی

چکیده

هر کشوری در هر سطحی از توسعه، در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی خود، برای حل معضل پراکنش زمینهای زراعی و دستیابی به توسعه پایدار، اصلاحات ارضی و یکپارچه‌سازی زمینها را ضروری می‌داند. تحقق توسعه پایدار در سطح ملی و توسعه یکپارچه روستایی در سطح محلی و ارتباط متقابل این دو، زمانی میسر است که در مطالعات، برنامه‌ریزیها و تصمیمگیریها، به پدیده یکپارچه‌سازی زمینهای زراعی توجه نمایند، به گونه‌ای که این امر مهم را همراه با طرحهای توسعه روستایی، به ویژه طرحهای زیربنایی آب و خاک، از قبیل احداث شبکه‌های آبیاری و زهکشی و تجهیز و نوسازی اراضی قاریاب انجام دهند. با چنین نگرشی، شرایط برای افزایش تولید در واحد سطح، بهبود وضعیت اجتماعی، بهبود مدیریت مزرعه، بهبود حفاظت خاک، کاهش هزینه نیروی انسانی، افزایش به کارگیری نهاده‌ها، تسهیل در به کارگیری ماشین‌آلات مناسب، صرفه‌جویی در مصرف آب، افزایش همکاریها، کاهش اختلاف و بالأخره بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش فقر ناشی از یکپارچه‌سازی در روستا فراهم می‌آید، و در نهایت، دستیابی به توسعه روستایی و ملی، عینیت می‌یابد.

مقدمه

غالباً چنین می‌پندارند که زمین متصرفی هر کشاورز، صرف نظر از مساحت آن، به صورت یکپارچه

و در یک جا قرار دارد و به طور کلی، کشاورز تمام فعالیت زراعی خود را روی یک قطعه زمین انجام می‌دهد، چنین تصویری از وضع بهره‌برداری کشاورزی کشور و موقعیت زمین آنها به ندرت نمود عینی دارد، بلکه اغلب عکس این حالت مشاهده می‌شود. یعنی زمین آنان اغلب به صورت قطعات کوچک و جدا از هم است. این وضعیت، نه پدیده جدیدی است و نه خاص کشور ما، بلکه در نظام زمینداری بیشتر کشورها، از جمله در کشورهای اروپای غربی مانند آلمان غربی، فرانسه و ایتالیا، به نسبت‌های مختلف وجود داشته است. برای مثال، "در آلمان غربی، یک مزرعه ۲۰ هکتاری، از ۲۸۳ قطعه جدا از هم تشکیل می‌شده است. در ابتدای قرن بیستم، سرزمین فرانسه، بیش از ۱۵۰ میلیون قطعه زمین پراکنده داشته است. در ساوواوی فرانسه، یک بهره‌برداری کشاورزی به وسعت ۱۰ هکتار و ۵۰ آر، به ۲۷۵ قطعه تقسیم شده است، کمون لوآره فرانسه، به مساحت ۲۷۷۹ هکتار، از ۴۸۰۰۰ قطعه، و کمون سولزه، به مساحت ۷۴۱ هکتار، از ۴۱۴۰ قطعه تشکیل شده است.

پدیده کوچک بودن واحدهای تولیدی و پراکندگی زمینهای کشاورزی که ناشی از ساختار کشاورزی سنتی در کشور است، امروز به یکی از موانع اصلی در توسعه کشاورزی تبدیل شده است. وجود چنین محدودیتهایی موجب شده است که برنامه‌ریزان و مسئولان کشاورزی مملکت همواره در جستجوی راههای مقابله با چنین تنگناهایی باشند و عموماً به این نتیجه رسیده‌اند که با یکپارچه‌سازی قطعات بهره‌برداریهای دهقانی، و در پی آن، اجرای عملیات زیربنایی آب و خاک، از جمله تجهیز و نوسازی زمینها، شامل قطعه‌بندی، تسطیح، احداث جاده‌های بین مزارع و قطعات زراعی، و در صورت لزوم، احداث زهکشهای زیرزمینی، وضعیت مناسب برای توسعه بخش فراهم خواهد آمد. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع، در این مقاله، نخست کلیاتی در مورد کوچکی و پراکندگی زمین بهره‌برداریهای کشاورزی، اثر بازدارنده آن، ضرورت یکپارچه‌سازی زمینهای کشاورزی، تعریف و مفهوم آن، و روند یکپارچه شدن زمینهای کشاورزی در کشورهای مختلف جهان ارائه می‌نماییم، سپس عملکرد طرح یکپارچه‌سازی زمینها، طی برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کنیم.



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروژه‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منشأ کوچکی و پراکندگی قطعات زمین تحت بهره‌برداری کشاورزی

اجرای قانون اصلاحات ارضی طی دهه ۱۳۴۰، همراه با اقداماتی که در آستانه انقلاب اسلامی در زمینه مالکیت‌های ارضی کشور به وقوع پیوست، در مجموع، باعث گسترش بهره‌برداریهای دهقانی یا خرده مالکی (بهره‌برداریهایی کمتر از ۱۰ هکتار) شد، به طوری که در سال ۱۳۷۰، تعداد این گونه بهره‌برداریها حدود ۳۰ درصد و مساحت زمینهای متعلق به آنها، حدود ۳۳ درصد نسبت به پیش از اصلاحات ارضی (سال ۱۳۳۹) افزایش یافت. با این حال، میانگین زمین این بهره‌برداریها، به رغم رشد جمعیت روستایی و اجرای قانون ارث، تغییر محسوسی نکرده و همچنان کوچک و در حد کمتر از ۳ هکتار باقی مانده است (جدول ۱).

جدول ۱. مقایسه بهره‌برداریهایی کمتر از ۱۰ هکتار و کل در مقاطع پیش از اصلاحات ارضی و سال ۱۳۷۰

شکل حادثی که در ساختار اراضی بهره‌برداریهای دهقانی، اهمیت بیشتری دارد، مسئله پراکندگی یا جدا بودن قطعات زمین تحت بهره‌برداری این گروه از کشاورزان است. چنین وضعیتی، یکی از ویژگیهای ساختاری کشاورزی سنتی ایران به شمار می‌آید که در نظام ارباب و رعیتی، بنابر مقتضیات طبیعی، فنی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدید آمده است و به لحاظ مزیت‌هایی که در سازماندهی تولید زراعی و مدیریت جامعه روستایی داشته، تاکنون دوام یافته است، ولی با تغییراتی که طی دهه‌های اخیر در جامعه روستایی و بخش کشاورزی کشور به وقوع پیوسته است، امروزه به منزله مانعی اساسی در راه بهبود بهره‌برداری دهقانی به شمار می‌آید.

اثرهای بازدارنده پراکندگی زمینها

به رغم مزیت‌های متعدد در بهره‌برداریهای دهقانی، از قبیل اشتغال‌زایی، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه، تلفیق کار و زندگی، صرفه‌جویی در مصرف نهاده‌های تولید، پایین بودن هزینه‌های تولید و جلوگیری از اثرهای منفی زیستمحیطی و مانند اینها، کوچکی قطعات و پراکندگی زمین در این گونه بهره‌برداریها، باعث تضعیف این مزیت‌ها می‌شود و از کارایی آنها به شدت می‌کاهد. پراکندگی قطعات در بهره‌برداریهای زراعی، باعث می‌شود که استفاده از عوامل تولید با

دشواری صورت گیرد. آب، به عنوان یکی از عوامل اصلی و کمیاب تولید در کشاورزی ایران، به علت عبور از بین قطعات متعدد و طی مسیرهای طولانی و غالباً اضافی، افت شدید پیدا می‌کند. به علاوه، حین آبیاری، اختلاف و منازعه را بین زارعان به وجود می‌آورد. کمبود آبی که از این طریق ایجاد می‌شود، خود به خود مقداری از اراضی را از چرخه کشت و تولید خارج می‌کند. پراکندگی قطعات، ناگزیر، با ایجاد مرزهای متعدد، راههای عبور اضافی، جویها و نه‌رهای مختلف در بین زمینها همراه است که هر کدام، مقداری از زمین کشاورزی را اشغال می‌کند و مانع کشت روی آن می‌شود. پراکندگی قطعات، مراقبتها و فعالیتهایی را که برای تولید در هر قطعه لازم است، محدود یا گاهی ناممکن می‌سازد، همچنین تردد زارعان را از بین قطعات یکدیگر افزایش می‌دهد، و به همان نسبت، امکان بروز اختلاف و مشاجره را میان کشاورزان همجوار فراهم می‌آورد. پیامدهای چنین وضعیتی، اتلاف وقت و انرژی، تحمل زیانهای مالی و تضعیف همبستگیهای اجتماعی در جامعه روستایی است که کاهش تولید و درآمد رانیز در پی دارد. در این وضعیت، هم به لحاظ پراکندگی و هم به لحاظ حقوقی، سرمایه گذاری را، به ویژه در امور زیربنایی، از قبیل تسطیح زمین، ایجاد جاده‌های بین مزارع و قطعات زراعی و زهکشی و اصلاح و ترمیم شبکه‌های آبرسانی که مستلزم هزینه‌های بیشتر و فعالیت طولانی تر است، دشوار می‌سازد. از نظر حقوقی - با آنکه سهم هر مالک از مجموع ملک مشخص است، اما حدود و ثغور هر ملک به طور رسمی مشخص نشده و فاقد سند رسمی مالکیت مفروز است. این وضعیت، به نوعی بلا تکلیفی یا عدم قطعیت مالکیتها انجامیده و انگیزه سرمایه گذاری را تا حد زیادی کاهش داده است. علاوه بر مشکل حقوقی (مالکیت مشاع)، مشکل مهمتر، پراکندگی قطعات زمین کشاورزان است. با توجه به اینکه سرمایه گذاریهای اولیه و اساسی به امور زیربنایی اختصاص دارد و این نوع سرمایه گذاریها، مستلزم برخورداری از زمینهای یکپارچه بزرگ است تا هم به لحاظ فنی و هم به لحاظ اقتصادی توجیه پذیر باشد، بنابراین، پراکندگی قطعات، سرمایه گذاریهای زیربنایی و اصولی در این زمینها را ناممکن ساخته است. به بیان دیگر، عدم سرمایه گذاری لازم در زمینها، به معنای ادامه فعالیت کشاورزی به شیوه‌های سنتی با درآمد کم و اغلب بابه‌وری پایین است.

ضرورت یکپارچه‌سازی زمینهای کشاورزی

هم اکنون، حدود دو سوم زمینهای قابل کشت کشور، زمینهایی است که غالباً تحت مالکیت هر فرد

به صورت قطعات کوچک و به شکل‌های غیر هندسی در سطح مزرعه پراکنده می‌باشد. این ویژگی، به انواع گوناگون، موجب ایجاد اختلال در بهره‌برداری از زمین و سایر عوامل تولید می‌شود. مهمترین مشکل، عدم امکان استفاده صحیح و کارآمد از ماشین‌آلات و روش‌های جدید کشاورزی است. در اثر پراکندگی قطعات، عوارض و موانع متعددی در زمینه استفاده از آب، زمین، نیروی کار، وسایل حمل و نقل و جز اینها وجود دارد که توسعه کشاورزی رادشوار ساخته است، به طوری که اثرهای زیانبار پراکندگی قطعات در روند انتقال کشاورزی از وضعیت سنتی به نوین به تدریج مشهود گردیده و ابعاد وسیعتری می‌گیرد. این ابعاد نیز با گسترش ارتباط بین روستاها و شهرها و شکل‌گیری بازارهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و وسعت بیشتری پیدا می‌کند. بدین روی، از این پس ایجاب می‌نماید که تولید کشاورزی با مطالعه و برنامه‌ریزی دقیق، استفاده از تکنولوژی و دستاوردهای علمی، صرف هزینه کمتر و با تأکید و توجه به حفظ منابع آب و خاک و مسائل زیستمحیطی انجام گیرد. اما پراکندگی قطعات پدیده‌ای است که در روند تحول کشاورزی سنتی به نوین، مانع تحقق این امر می‌شود و توسعه کشاورزی را بسیار دشوار و حتی غیرممکن می‌سازد. بنابراین، با توجه به مسائل یادشده در جهت استفاده هر چه بیشتر از ظرفیتهای و امکانات موجود، لازم است که در حد امکان، زمینهای کشاورزان در یک جا جمع شود و قطعات به شکل هندسی و هماهنگ با شبکه‌های آبیاری و زهکشی موجود یا در حال احداث، طراحی، و همراه با عملیات زیربنایی ضروری در سطح مزارع مورد نظر ساماندهی شود. بنابراین، می‌توان گفت که یکپارچه‌سازی زمینها، نخستین اقدام فنی و اجتماعی در عملیات زیربنایی کشاورزی به شمار می‌رود. اجرای عملیات تسطیح زمینها، ایجاد شبکه‌های آبیاری و زهکشی و پیاده‌سازی نظامهای مناسب بهره‌برداری و تولید در مزارع پس از یکپارچه‌سازی و جابه‌جایی زمینها انجام می‌شود. تا وقتی که چنین عملیاتی در سطح مزارع و زمینها اجرا نشود، استفاده درست از منابع آب و خاک و افزایش تولید محصولات کشاورزی در واحد سطح و اعمال مدیریت و ارتقای سطح تکنولوژی کاربردی در مزارع، بسیار کم خواهد بود.

اقدامات یکپارچه‌سازی قطعات زراعی در کشورهای چینی (سوند، نیوژ و دانمارک) از مدتها پیش شروع شده است. برای مثال، سوند در سال ۱۷۵۷ و دانمارک در سال ۱۷۸۱، نخستین قانون اصلاح پراکندگی زمینها را وضع کردند. در پاکستان و هند نیز که این مشکل را داشته‌اند از سالهای ۱۹۲۰ به یکپارچه‌سازی قطعات پرداخته‌اند. برای مثال، در سال ۱۹۴۶، در

حدود ۶۶۰۰۰۰ هکتار از زمینها، یعنی تقریباً ۵ درصد از منطقه قابل کشت پنجاب، مشمول برنامه تمرکز اراضی شد که در ۵۰۸۰۰۰ هکتار آن، فقط از طریق تعاونی، یک میلیون و ۸۲۵۰۰۰ قطعه زمین و مزرعه به ۲۸۶۰۰۰ قطعه تبدیل شده است.

تعریف و مفهوم یکپارچه‌سازی

یکپارچه‌سازی زمین در موارد خاصی، به شکلهای مختلف، در کشورها، از جمله کشور ما، صورت گرفته است.

یکپارچه‌سازی را می‌توان به لحاظ عواملان اجرای آن، در دو طبقه کلی یکپارچه‌سازی خودجوش و یکپارچه‌سازی غیر خودجوش جای داد. در یکپارچه‌سازی خودجوش، عامل اصلی اجراء کشاورزان ذی‌ربط هستند. در این موارد، خودکشاورزان دست به اقدام می‌زنند و فعالیتهای مختلف، اعم از سازماندهی، ترغیب دیگران، و جلب مشارکت افراد ذی‌ربط را در مراحل مختلف کار انجام می‌دهند. روشهای مناسب یکپارچه‌سازی نیز با اتکای به نیروهای داخلی روستا انجام می‌گیرد. این نوع یکپارچه‌سازی، پس از اصلاحات ارضی، در برخی از روستاهای کشور اجرا شده است.

در یکپارچه‌سازی غیر خودجوش، نقش عوامل غیربومی بسیار تعیین‌کننده است. در اقداماتی که در دو دهه اخیر، به ویژه در برنامه‌های اول و دوم توسعه، در زمینه یکپارچه‌سازی زمینهای کشور صورت گرفته است، نقش عوامل بیرونی (دولتی) بسیار برجسته بوده، به طوری که سازماندهی و تمشیت امور، بیشتر بر عهده دولت و عوامل اجرایی آن بوده است.

یکپارچه‌سازی، از نظر سطوح مختلف و ابعاد اجرایی آن نیز چند نوع است:

یکپارچه‌سازی کامل^۱، در سطح خانوار - در این نوع یکپارچه‌سازی، قطعات پراکنده تحت تملک خانوارها با تعویض و جابه‌جایی مکرر قطعات، چنان کاهش می‌یابد که در نهایت به یک قطعه یکپارچه برای هر خانوار تبدیل می‌شود. این نوع یکپارچه‌سازی با توجه به شرایط طبیعی و توپوگرافی زمین (پستی و بلندی، جنس خاک و جز اینها) و همچنین نوع زمینها و کاربری آن (آبی، دیم و باغ) به ندرت در روستاهای ایران اتفاق افتاده است.

یکپارچه‌سازی ناقص^۱ یا تحدید قطعات - در این حالت، ممکن است فقط چند خانوار یا حتی تمام خانوارهای زمیندار یک روستا، تعدادی از قطعات یا حتی تمام قطعات تحت تملک را آن‌چنان با هم معاوضه یا معامله نمایند که میانگین تعداد قطعات هر یک از آنها تا حد زیادی کاهش یابد، به طوری که زمین هر خانوار به چند قطعه بزرگتر تبدیل شود. اما چون به رغم کاهش تعداد قطعات زمین هر خانوار، یکپارچگی کامل تحقق نمی‌یابد، تحت این عنوان نامیده می‌شود. این شکل از یکپارچگی در روستاهای ایران بیشتر متداول است.

ادغام زمینها^۲ - گاهی ممکن است مرزهای بین قطعات زراعی برداشته شود و تعدادی از بهره‌برداریهای کوچک، یک بهره‌برداری بزرگتر را به وجود آورند. این نوع یکپارچگی، به شکلهای مختلفی وجود دارد، در برخی از آنها تمام مراحل تولید و حتی فروش محصولات، به صورت گروهی (تعاونی) انجام می‌گیرد. اتوشیلر، این نوع تعاونی را تعاونی کشاورزی و کامل و متمرکز می‌نامد. در حالی که در شکلهای دیگر، تنها برخی از فعالیتها به صورت گروهی است و بقیه آنها به شکل انفرادی یا خانوادگی انجام می‌گیرد. در نوع اخیر، هدف اصلی بهره‌برداری مشترک از زمین نیست، بلکه بیش از همه، افزایش تولید مورد نظر می‌باشد. به همین سبب، تعاونی افزایش تولید کشاورزی نامیده می‌شود.

در یکپارچه‌سازی، به ویژه با دخالت دولت، ممکن است سطوح وسیعتری از یک روستا مدنظر باشد. برای مثال، در ایجاد یک شرکت تعاونی تولید یا یک شرکت سهامی زراعی، دامنه شمول از سطح یک روستا فراتر رفته و زمینهای چندین روستای مجاور را دربر می‌گیرد، این نوع یکپارچه‌سازی نیز به ادغام زمینها معروف است، با این تفاوت که اغلب توسط دولت به اجرا درمی‌آید.

یکپارچه‌سازی نسق زارعان یا یکپارچه‌سازی قطعات اراضی زراعی تحت بهره‌برداری زارعان که به صورت خود جوش یا با دخالت دولت به اجرا درمی‌آید. در این صورت، زمین تحت بهره‌برداری (یا مالکیت) بهره‌بردار، می‌تواند به صورت یک قطعه (یکپارچه کامل) یا چند قطعه (اما کمتر از تعداد آنها قبل از یکپارچگی) باشد.

روند یکپارچه‌شدن زمینهای کشاورزی در کشورهای مختلف

1. Imperfect Land Consolidation

2. Land Amalgamation

اصولاً پس از انجام اصلاحات ارضی در هر کشور، اقتصاد کشاورزی خرده مالکی (دهقانی) در سطح روستاهای آن کشور گسترش پیدا نموده است. اما تحول این اقتصاد به سمت یکپارچه شدن جدید زمینها و به نظام کشیدن آنها به صورت‌های مختلف در کشورها انجام گردیده است. این تحول، در بعضی کشورها به طور ناقص و پراکنده، در برخی محلها انجام شده است، در حالی که در تمام کشورهایی که امروزه دارای کشاورزی پیشرفته‌ای می‌باشند، پس از انجام اصلاحات ارضی، این مرحله با موفقیت پشت سر گذاشته شده است.

به طور کلی، تمام کشورهای جهان طی این مرحله به سه صورت زیر گام برداشته‌اند:

۱. کشورهای پیشرفته صنعتی که دارای اقتصاد آزاد کشاورزی می‌باشند

در این قبیل کشورها، پس از نابودی کامل نظامهای اربابی و سنتی (فئودالی) سیاستهایی به کار گرفته شد که هدف آنها کاستن تعداد واحدهای کشاورزی و افزایش ابعاد بوده است، و در نتیجه، هم بازده کشاورزی به درجه بالاتری ارتقا یافت و هم نیروهای آزاد شده، شاغلان بخش صنعت و خدمات را تشکیل داده‌اند. برای مثال، تعداد شاغلان بخش کشاورزی در کشورهای مشترک المنافع اروپایی طی ۲۰ سال، از ۱۹ میلیون نفر، به ۸/۷ میلیون نفر کاهش یافته است، در همین زمان، از تعداد واحدهای یک تا ۲۰ هکتاری، به طور پیوسته کاسته شده و تعداد واحدهای ۲۰ هکتار به بالا افزایش چشمگیر یافته است، به طوری که در سال ۱۹۸۰، بیش از ۷۱/۵ درصد واحدهای کشاورزی را شامل می‌شده است.

در فرانسه، ۷۵ درصد کل زمینهای زیرکشت و در آلمان غربی دو سوم زمینهای زیرکشت را مزارع بزرگ تشکیل می‌دهند. در ایالات متحده آمریکا، تنها ۴ درصد جمعیت کشور در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند. میزان محصولات تولید شده در این کشورها، ارقام بسیار بالایی است، به طوری که علاوه بر تأمین داخلی، مقدار زیادی از محصولات مختلف، از جمله غلات، به کشورهای دیگر صادر می‌گردد.

۲. کشورهای پیشرفته صنعتی که دارای اقتصاد برنامهریزی شده و متمرکز باشند

سیاست کلی این کشورها در جهت دولتی شدن عوامل تولید قرار دارد. برای مثال، در یوگسلاوی

سابق، به رغم سعی دولت که در نظر داشت مزارع اشتراکی به وجود آید، مالکیت خصوصی در بخش کشاورزی شکل گرفت، به طوری که تعداد مزارع اشتراکی در آن کشور انگشت شمار بودند. حداکثر زمین کشاورزان ۱۰ هکتار بود و شرکتهای تعاونی توزیع و مصرف در بخش کشاورزی وجود داشت و از آنجا که کشاورزی بر پایه خرده مالکی بنا شده بود، باروری آن بسیار کم بود. به سال ۱۹۴۹، اقتصاد چین، به طور کلی، اقتصادی نیمه فئودالی بود و هشتاد درصد مردم در کشاورزی اشتغال داشتند. در این سال، مالکان و دهقانان مرفه، کمتر از ۱۰ درصد جمعیت کشاورز را تشکیل می دادند، ولی ۷۰ درصد زمینها را صاحب بودند. در سال ۱۹۵۲ که اصلاحات ارضی به پایان رسید، ۳۰۰ میلیون دهقان، صاحب زمین شدند. در برنامه پنجساله (۱۹۵۳-۱۹۵۷) چینیهها به اشتراکی کردن مزارع سرعت بخشیدند. در سال ۱۹۵۷، نخستین و مهمترین دگرگونی، که با راهبرد "جهش بزرگ به جلو" صورت گرفت، ایجاد کمونهای خلق بود. در نتیجه، ۷۵۲۰۰۰ مزرعه اشتراکی در ۲۶۵۰۰ کمون تجدید سازمان یافتند. هر مزرعه اشتراکی، به طور متوسط، ۱۵۸ خانوار روستایی را دربرمی گرفت.

در شوروی سابق، پس از تقسیم زمین میان کشاورزان در سال ۱۹۲۰، حدود ۴۳ درصد کشاورزان روی زمینهایی که کمتر از ۲ هکتار بودند و ۳۷ درصد آنها روی زمینهای ۲ تا ۴ هکتاری و ۲۰ درصد آنها روی زمینهای ۴ تا ۶ هکتاری زراعت می کردند. از این رو، ناگزیر بودند که ابزار کار کشاورزی را اجاره کنند. در نوامبر ۱۹۲۹، دولت، سیاست اشتراکی کردن مزارع را به این منظور که وسیله ای برای افزایش تولید کشاورزی باشد، اعلام کرد. در آغاز، سطح تولید کشاورزی پایین آمد، ولی در سال ۱۹۳۰-۱۹۳۱، سهم دولت در برداشت محصول به دو میلیون و ۲۱۰۰۰۰ تن رسید که دو برابر سهم دولت در سال ۱۳۲۸-۱۳۲۹ بود. میزان بهره برداریهای اشتراکی شده، از ۳/۹ درصد در سال ۱۹۲۹، به ۶۱/۵ درصد در سال ۱۹۳۲ و ۹۳ درصد در سال ۱۹۳۷ رسید. در بلغارستان، عموم مزارع دهقانان به صورت تعاونی اداره می شود، به طوری که به سال ۱۹۵۰ قریب به نیمی از کشاورزان کوچک بلغاری در ۲۵۰۰ تعاونی متشکل شدند. در سال ۱۹۵۷-۱۹۵۸، روند ایجاد تعاونی در بلغارستان به ۹۷ درصد رسید.

۳. کشورهای در حال توسعه

کشورهای جهان سوم که دارای تنوع فراوانی در ساختار اقتصادی، اجتماعی می باشند، غالباً از نظر

کشاورزی در مراتب پایینی از تولید قرار دارند. کلید نابسامانی نظام کشاورزی در ورود استعمار به این کشورها، و در نتیجه، به هم ریختن ساختار سنتی و شکل‌گیری آن در جهت منافع کشورهای استعمارگر بوده است. بدین روی، در بیشتر این کشورها، که هنوز به طور کامل استقلال نیافته‌اند، نهادهای کهنه در کنار نهادهای جدید اقتصادی همزیستی یافته است. در نتیجه، ساختار اقتصادی به طور عام و ساختار کشاورزی به طور خاص، همگن و مناسب نیست. در این مورد، کشورهایی که در جهت تجدید ساختار کشاورزی و بهبود وضعیت کشت از طریق نوآوری و یکپارچه‌سازی زمینهای سنتی حرکت کرده‌اند، دستاوردهایی داشته‌اند. برای مثال، در کشور مصر، در سال ۱۹۵۲ که قانون اصلاحات ارضی به تصویب رسید، از همان آغاز شرکتهای تعاونی با نظارت دولت پدید آمد. نقش این شرکتها، انجام دو وظیفه مهم بود که قبلاً به عهده مالک قرار داشت. یکی سازماندهی تولید و دیگری فروش محصول. عضویت در این تعاونی برای کسانی که صاحب زمین شده بودند، اجباری بود. تمام تعاونیها تشکیل یک مجمع را داده و این مجمعه‌ها زیر نظر اتحادیه تعاونی کشور فعالیت می‌کردند. طی سالهای ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۰، تعداد تعاونیهای مزبور، از ۱۸۷ به ۵۰۱۳ عدد، افزایش یافت. طبق قوانین، تعاونیهای مزبور از قواعدی چون یک کاسه کردن کشت، تناوب سه ساله و همکاری در فعالیتهای کشاورزی پیروی می‌کردند.

در الجزایر هم پس از تصویب قانون اصلاحات ارضی در سال ۱۹۷۱ و پس از طی مرحله دوم آن، بخشی از زمینهای تقسیم شده در ۵۰۰۰ تعاونی تولید سازمان یافتند و بخشی دیگر هم در واحدهای خودگردان دارای مالکیت جمعی (سطح هر یک به طور متوسط ۱۰۰۰ هکتار) سازمان یافتند. شکل دیگر یکپارچه‌سازی هم از طریق ایجاد روستاهای تعاونی در الجزایر بوده است. در این روستاها کار روی زمینهای هر روستا به صورت گروهی انجام شده و در آمد حاصل از آن، به نسبت کار بین اعضا تقسیم می‌گردیده است.

در کشورهای دیگر، از قبیل برمه، تانزانیا، ویتنام، لیبی و به تازگی موزامبیک و اتیوپی هم تعاونیهای روستایی به موازات واحدهای دولتی به شکلهای مختلف به وجود آمده و در حال پیشرفت است. برای مثال، در ویتنام، تا سال ۱۹۷۲، تعداد خانوارهای عضو تعاونی کشاورزی نسبت به کل خانوارهای روستایی ۹۵/۷ درصد بوده است و مساحت زمینهای آنها نیز از ۶۸/۱ درصد در سال ۱۹۶۰، به ۹۲/۲ درصد در سال ۱۹۶۸ رسیده است. طی همین مدت، ۴۸ شبکه آبیاری بزرگ در این زمینها ایجاد شده که بیشتر از تمام شبکه‌های احداث شده در تاریخ آن کشور

بوده است.

در جمهوری مالی، پس از کسب استقلال، شبکه گسترده‌ای از تعاونیها برای کشت مشترک زمین و فروش محصولات این تعاونیها و خرید کالاهای شناخته شده، تشکیل گردیده است. بخش اعظم زمینهای کشاورزی لیبی، پیش از انقلاب، در دست استعمارگران ایتالیایی و خاندان سلطنتی و منسوبان به آنها بود که پس از انقلاب، بی‌درنگ مصادره شد. اکنون کشاورزی لیبی را عمدتاً دولت اداره می‌کند. دولت لیبی که نمی‌خواهد اقتصاد کشور تنها به درآمد نفت متکی باشد، در زمینهای ملی شده کشور و به کمک سرمایه‌گذاری دولتی، واحدهای پیشرفته تولید کشاورزی ایجاد کرده است. هر واحد زمین تازمانی به دهقان تعلق دارد که روی آن مشغول به کار باشد.

دولت کوبا، در نخستین سال پیروزی انقلاب (۱۹۵۹) املاک چندین هزار هکتاری اشراف کوبایی و املاک گروه مورگان و راکفلر را مصادره کرد. سه سال بعد نیز از املاک بیش از ۶۶۰ هکتار سلب مالکیت نمود و آنها را به موازات ایجاد تعاونیها به روستاییان واگذار کرد.

یکپارچه سازی زمینهای کشاورزی در ژاپن

ژاپن با مساحت ۳۸/۷۸ میلیون هکتار، از ۶۸۰۰ جزیره کوچک و ۴ جزیره بزرگ، به نامهای هوکایدو (به وسعت ۸/۳۵ میلیون هکتار)، هونشو (به وسعت ۲۳/۰۹ میلیون هکتار)، شیکوگو (به وسعت ۱/۸۸ میلیون هکتار) و کیوشو (به وسعت ۴/۲۱ میلیون هکتار) تشکیل شده است. ۷۳ درصد از مساحت کشور را کوهها فرا گرفته و ۲۷ درصد بقیه نسبتاً مسطح می‌باشد. جمعیت کشور نیز در سال ۱۹۹۰ برابر ۱۲۷ میلیون نفر اعلام شده است.

زمینهای کشاورزی ژاپن حدود ۱۴ درصد از کل مساحت کشور است که طی سالیان گذشته تاکنون روند نزولی داشته، به طوری که از ۶/۰۷ میلیون هکتار در سال ۱۹۶۰، به ۵/۳۲ میلیون هکتار در سال ۱۹۸۸ رسیده است. تعداد خانوار کشاورز در این کشور روند نزولی داشته و از ۶/۰۶ میلیون در سال ۱۹۶۰، به ۴/۲۴ میلیون در سال ۱۹۸۸ رسیده است.

متوسط میزان زمینهای کشاورزی برای هر خانوار کشاورزی در ژاپن ۱/۲ هکتار می‌باشد که ۱۵ برابر کوچکتر از کشورهای بازار مشترک اروپاست. شمار کشاورزانی که دارای کمتر از یک هکتار زمین می‌باشند به حدود ۷۰ درصد می‌رسد.

جدول ۲. تعداد خانوار کشاورز و زمینهای تحت کشت آنها در سال ۱۹۸۴ در ژاپن

اندازه	کمتر از یک هکتار	۱-۲ هکتار	۲-۳ هکتار	بیش از ۳ هکتار
تعداد خانوار	۳۰۴۳۰۰۰	۵۹۳۰۰۰	۲۵۳۰۰۰	۱۱۲۰۰۰
درصد به کل	٪۶۹/۸	٪۲۱/۹	٪۵/۸	٪۲/۶

مأخذ: منبع ۳.

کشاورزان ژاپنی، از نظر فعالیت و میزان درآمد، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) کشاورزان تمام وقت که کل درآمد آنها از بخش کشاورزی تأمین می‌گردد.

ب) کشاورزان نیمه وقت اولیه که علاوه بر بخش کشاورزی، در بخشهای دیگر هم فعالیت دارند، ولی درآمد آنها از بخشهای دیگر، از درآمد بخش کشاورزی بیشتر است.

ج) کشاورزان نیمه وقت ثانویه، علاوه بر بخش کشاورزی، در بخشهای دیگر نیز فعال هستند، ولی درآمد آنها از بخش کشاورزی بیشتر است. تقریباً ۸۵ درصد از کل کشاورزان ژاپن به صورت نیمه وقت و بیشتر آنها در مزارع کوچک فعالیت دارند. امروز کشاورزان تمام وقت با خریدن یا اجاره کردن زمینهای دیگران، در صدد افزایش میزان سطح زمینها و اقتصادی نمودن آن می‌باشند. قیمت زمین در ژاپن بسیار بالاست و امکان خرید به وسیله سایر کشاورزان وجود ندارد، به همین دلیل، اجاره زمین رواج بیشتری دارد.

عملیات اصلاح و یکپارچه کردن زمینها در ژاپن از سال ۱۹۶۱، باتصویب قانون در این زمینه، شروع شد. براساس این قانون، اگر در منطقه‌ای دو سوم زارعان حاضر به اجرای یکپارچه‌سازی زمینها باشند، طرح به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. از آغاز تاکنون، ۴۹ درصد از زمینهای کشاورزی هوکایدو و ۴۸/۵ درصد از کل زمینهای کشاورزی ژاپن یکپارچه شده و بقیه در دست اقدام است.

در قانون یکپارچه‌سازی زمینها، کاربرد ماشین آلات بزرگ مورد توجه قرار گرفته است. در ابتدای کار، اندازه آنها حداکثر به ۳۰۰۰ مترمربع می‌رسد. هم‌اکنون در هوکایدو حداکثر اندازه آنها به ۵ هکتار نیز رسیده است.

برنامه بلند مدت دولت ژاپن در زمینه اصلاح زمینها

پس از تصویب قانون اصلاح زمینها در سال ۱۹۶۱ و انجام اصلاحاتی در آن در سال ۱۹۶۴، دولت ژاپن کار یکپارچه سازی زمینها را در قالب پروژه های تسطیح، کانالهای آبیاری و زهکشی، جاده بین مزارع و اصلاح ساختارهای روستایی، در قالب سه برنامه دهساله با هدفهای مشخصی از سال ۱۹۶۵ آغاز نموده که خلاصه آن به شرح جدول ۳ می باشد.

جدول ۳. هدف برنامه بلند مدت یکپارچه سازی زمینها در ژاپن

(هزار هکتار)

فاز ۳	فاز ۲	فاز ۱	مراحل
۱۹۹۲-۱۹۸۳	۱۹۸۲-۱۹۷۳	۱۹۷۲-۱۹۶۵	دوره
۱۰۰	۱۲۰۰	۸۵۰	مساحت یکپارچه سازی زمینها

مأخذ: منبع ۳.

طرح یکپارچه سازی اراضی کشاورزی در جمهوری اسلامی ایران

نظر به اینکه عدم یکپارچگی زمینهای کشاورزی در سطح کشور، دشواریهای فراوانی در مسیر تولید محصولات کشاورزی ایجاد کرده است، در برنامه اول توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، اجرای عملیات یکپارچه سازی زمینهای کشاورزی در سطحی معادل یک میلیون هکتار، در قالب طرحی با عنوان "یکپارچه سازی اراضی" به شماره طبقه بندی ۴۰۱۰۱۳۰۹، از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۲ در قوانین بودجه سنواتی پادار گردید. با این هدف که با اجرای این فعالیتها، عملیات کاشت، داشت و برداشت آسانتر شود و امکان مکانیزه کردن کشاورزی، و در نهایت، افزایش محصول در واحد سطح و کاهش هزینه های تولید و افزایش کلی محصولات کشاورزی فراهم گردد.

هدفهای کمی و اعتبارات پیش بینی شده طرح یکپارچه سازی در برنامه اول

توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۲)

منابع تأمین اعتبار برای رسیدن هدفهای کمی مورد نظر به شرح جدول ۴ برآورد شده بود.

از محل درآمد عمومی ۶۰ درصد
 از محل آورده اشخاص (بهره‌برداران) ۲۰ درصد
 از محل منابع بانکی ۲۰ درصد

جدول ۴. هدفهای کمی و اعتبارات طرح، طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲

اعتبارات مورد نیاز (میلیون ریال)	سطح زیر
----------------------------------	---------

